

اندر حکایت انتقال آب خزر، کلی خندیدیم اما، فراوان باید گریست.

خسرو زرتاب

Khosrowzartab@gmail.com

از اخبار مهم بیست و هشتم فروردین یکی افتتاح پروژه انتقال آب دریای خزر به استانهای مرکزی کشور بود . پیش از پرداختن به این موضوع ماجرای را برای خوانندگان گرامی باز می گویم :
در محله ما دقیقا روبروی خانه مان یک دستگاه پست برق کوچک هوایی مستقر بر تیرهای برق نصب شده که انتقال برق به محله را انجام میدهد . چند سال است (باور بفرمائید چند سال !) که هر چند وقت یکبار و به تناوب زمانی دو هفته تا دو ماه یک بار برق محله و خانه های اطراف قطع میشود و هر بار پس از تماس با فوریت های وزارت نیرو و برق منطقه ای تکنسین ها و کارگران با تجهیزات مربوطه از راه میرسند و نسبت به رفع مشکل اقدام می کنند و پس از چند ساعت کار آنها و قطعی برق ، دوباره روشنایی به خانه ها باز می گردد و قصه تا وقفه بعدی ادامه دارد و تکرار میشود . روشن است که این قطعی های پیاپی صدمات زیادی به دستگاههای برقی خانه ها وارد کرده و کماکان وارد میکند اما مشکل چند ساله این پست برق همچنان باقی است .

آیا کارگران و تکنسین ها و مهندسان به کار خود ناواردند ؟ بعید است . چرا که اینها آدمهای کار ورزیده و دوره دیده ای هستند (از جامعه ای هستند که به محض خروج از ایران اگر در جایگاههای تخصصی خود قرار گیرند با طی دوره های مربوطه و جا افتادن در سایر جوامع دنیا می توانند گلیم خود را از آب بیرون بکشند) پس مشکل کار در جای دیگری است . تکرار خرابی پست های مزبور و قطع برق مکرر محله ما نمونه ای کوچک از ناتوانی مدیریت "سیستم" های فنی در اداره امور اجرایی کشور است . تکرار این اتفاق نشان می دهد که هیچگونه کنترل موثری بر گزارش کارکرد عوامل فنی و اجرایی در سازمان های مربوطه وجود ندارد چون در صورت وجود این کنترل ها لابد تکرار اتفاق باید این سؤال را برای مسئولین ایجاد نماید که چطور تجهیزات الحاقی یک دستگاه ساده پست برق هوایی این مقدار دردسر تولید نموده و هزینه بر بوده است؟ چرا و به چه دلیل و چگونه "سیستم" های برق منطقه ای و وزارت نیرو عاجز از حل مشکلی چنین ساده بوده اند؟! هزینه های تعمیرات چند باره و تکراری چگونه در کنترل های مالی ، فنی ملاحظه نشده و مشکل همچنان باقی است !؟

این قصه را گفتم تا مشکل پست برق هوایی روبروی خانه را بعنوان نمونه ای کوچک از نظام مدیریت اقتصادی و فنی ای که سامان امور را در اختیار گرفته است ارائه نمایم "سیستمی" که اسباب گرفتاری و خسارات ساکنان محله را فراهم آورده و دردسرهای ناشی از ناتوانی مدیران را به مردم محله تحمیل کرده است و البته هم میهنان عزیز نمونه های بارز و بزرگ چنین "سیستم" ناتوان فنی اقتصادی جاری در کشور

را روزانه رخ در رخ و به وضوح مشاهده می کنند . نمونه هایی همانند آب گرفتگی خیابانهای سطح شهر و راه افتادن سیلاب در خیابانهای پایتخت با اولین بارش ها ، پدیده استثنایی آب افتادن در ایستگاههای "مترو" که خود گویای ضعف شدید مدیریت های فنی و اجرایی است ، شیب و جریان نادرست مسیر تونل تازه ساز توحید در شهر تهران که منجر به تصادفات شدید و بروز خسارات فراوان مالی و جانی به شهروندان شده ، آلودگی روزافزون هوای شهر های بزرگ کشور ، صدمات شدید و تخریب آثار ملی و باستانی و میراث فرهنگی و نمونه هایی چون ترک برداشتن پایه های پل خواجه و سی و پل اصفهان ، بروز آسیب و شکستن سدهای تازه احداث شده ، میزان پیشرفت کار ناچیز پروژه بزرگ راه تهران ، شمال پس از گذشت حدود ۲۰ سال از شروع آن ، کاهش سطح جنگلهای کشور و دست آخر خشک شدن دریاچه ارومیه همه و همه گویای ضعف ها و ناتوانی های مفرط سیستم مدیریت فنی کشور و "هدر رفت" سرمایه های عظیم متعلق به ملت ایران است .

در حالیکه مشکلاتی از این دست گریبانگر مملکت و مردم است . مشاهده تصاویر افتتاح پروژه انتقال آب دریای خزر به فلات مرکزی ایران خنده ای بر لبانم نشانند و ناخودآگاه فریاد زدم : "بابا تو رو خدا اول بیاین این پست برق دم خونه مارو مسئلشو حل کنین" و بعد...
واقعیت اینست که ضعف های مدیریت نظام فنی و اقتصادی بر می گردد به شناختی که از تعریف مدیریت داریم . مدیریت نه در جاذبه هایی نظیر "مدیریت جهانی" قابل تعریف است و نه آنکه افتتاح "روپاها"ست .
مدیریت یعنی :

الف -شناسایی دقیق مجموعه امکانات و منابع موجود و تامین شرایط مناسب ترین بهره برداری از آنها .
ب-تلاش موثر و موفق در جهت افزایش و توسعه امکانات و منابع .
بنابراین مدیریت کار آ و موفق ، مدیریتی است که با توجه به مقتضیات زمان و شناخت امکانات و منابع موجود و در دسترس و با تشخیص اولویت ها بهترین تصمیم گیری را نسبت به تامین بیشترین بهره وری از امکانات و منابع بعمل آورده ، همواره بر پویایی منظم و مستمر عملکردها افزوده و نیز در گسترش منابع و امکانات بکوشد .

شایسته توجه است که برپایه چنین تعریفی از مدیریت و البته به شرط عملی بودن پروژه انتقال آب خزر به فلات مرکزی ایران و نیز با فرض وجود توان اقتصادی و فنی برای انجام آن در شرایط حال حاضر مملکت (که همه اینها قابل تامل و باز اندیشی است) و با عنایت به محدود بودن اعتبارات کشور ، طبیعتاً مطرح نمودن چنین پروژه ای به این معناست که اعتبارات محدود کشور بمدت چندین سال صرف آن شود و بدیهی است در این مدت سایر پروژه ها از چنین اعتباراتی محروم میشوند .

پرسش دیگر اینست : به شرط عملی بودن چنین پروژه ای ،توجیه علمی ، اقتصادی ، فنی و زیست محیطی انتخاب این طرح بعنوان "اولویت" اجرایی کشور بر پایه چه منطق مدیریتی صورت گرفته و ارائه شده است ؟

پر واضح است اعتبارات هنگفتی که از محل خزانة عمومی کشور برای آغاز و عملیاتی کردن این پروژه هزینه و جابجا میشود تنها در چهارچوب تجهیزات و ادوات بکار گرفته شده نبوده بلکه بسیار فراتر و بیش از اینهاست . آنچه روشن است اینکه مطرح کردن این پروژه حاوی دو پیام مهم است : اولی حاصلی تبلیغاتی و پرطمطراق است که انسان را یاد ضرب المثل "سنگ بزرگ علامت نزدن است" می اندازد و دومی ارقامی نجومی که تحت عنوان پروژه ای "جذاب" و بلند پروازانه محملی برای "جابجایی" یافته اند .

اما بعد : در مراسم افتتاح این پروژه عظیم چند هزار میلیاردی در ساحل دریا چند دستگاه بیل مکانیکی مستقر

شده بود که با سخنان آقای احمدی نژاد شروع به کندن لبه ساحل (کناره دریا) کردند و ماسه ها را از اینطرف برداشته به آن طرف می ریختند . چند نفری هم کنار آقای احمدی نژاد به تماشا ایستاده بودند در حالیکه علی القاعده برگزارای چنین مراسمی باید در جایگاهی علمی و فنی با ارائه گزارشی جامع از چگونگی مطالعات انجام شده و با نمایش مستندات علمی حاصل و ارائه مطالعات انجام شده ای همراه می بود که توجیه گر انجام چنین پروژه ای باشد و علاوه بر آن گزارش تلویزیونی و رسانه ای تهیه شده نیز بایستی حاوی چکیده همین نوع گزارشات فنی و اقتصادی می بود تا آنرا به سمع و نظر مردم ، صاحبان کشور ، برساند تا ضمن آگاهی مردم ، توان علمی ، فنی و اقتصادی کشور نیز به نمایش آید . اما ما را به تماشای مراسمی نشانند که به هر چه شبیه بود جز آنچه باید .

+++++

برچیده تبرستان از گویا نیوز. چهارشنبه 30 فروردین 1391 / 18-4-2012

<http://news.gooya.com/politics/archives/2012/04/139244.php>